

مجله‌ی سیاست دفاعی

سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۹۴، بهار ۱۳۹۵

رفتارشناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه در پرتو دکترین عمق راهبردی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۱	سید حمزه صفوی ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵	سید مهدی نبوی ^۲
صفحات مقاله: ۱۳۴ - ۱۱۹	

چکیده:

ترکیه کشوری با اهمیت ژئوژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است که تا پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه توجه چندانی به غرب آسیا (خاورمیانه) نداشت، اما با به قدرت رسیدن این حزب و در راستای دکترین عمق راهبردی و سیاست تنش صفر با همسایگان نقش فعالی را در منطقه ایفا نمود. علی‌رغم تلاش برای به صفر رساندن مشکلات با همسایگان، پس از شروع بحران در سوریه، ترکیه موضعی پیچیده از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان و تلاش برای سقوط بشار اسد را اتخاذ نمود.

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پی رفتارشناسی ترکیه در قبال بحران سوریه در پرتو دکترین عمق راهبردی است. یافته‌های این پژوهش سه نوع رفتار میانجی‌گری، تلاش برای ایجاد کمربند اخوانی و قرار گرفتن در پازل غرب برای مهار ایران و محور مقاومت را در رفتار ترکیه برای افزایش عمق راهبردی خود تبیین می‌کند.

* * * * *

واژگان کلیدی

ترکیه، حزب عدالت و توسعه، عمق راهبردی، تحولات سوریه.

۱ - استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. safavi@ut.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

ترکیه کشوری است که از جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی در منطقه‌ی غرب آسیا (خاورمیانه) برخوردار است. علی‌رغم این اهمیت راهبردی، دولتمردان ترکیه در سال‌های ابتدایی پیدایش و حتی دهه‌های بعد از آن، تا پیش از پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی، با وجود مجاورت با غرب آسیا، سیاست فعالی را در آن پیگیری نمی‌کردند و توجه چندانی نسبت به آن نداشتند. این دوره از سیاست خارجی ترکیه، دوره‌ی غرب‌گرایی در سیاست خارجی این کشور بوده و در واقع، دوره‌ی برتری کمالیسم و ارزش‌های کمالیستی است، اما پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی، دولتمردان این کشور، با حفظ اصول کمالیسم و رویکرد غرب‌گرایی، نگرش جدیدی را نسبت به مسائل منطقه‌ای در پیش گرفتند که موجب پویایی سیاست خارجی ترکیه گردید. در رویکرد جدید سیاست چندجانبه‌گرایی و بازگشت به شرق در دستورکار سیاستمداران این کشور قرار گرفت که نمود بارز آن را در گرایش ترکیه به نقش‌آفرینی در غرب آسیا و قرار گرفتن آن در کانون تحولات غرب آسیا در قرن بیست‌ویکم، به‌ویژه پس از تحولات سوریه می‌توان دید. ترکیه در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ میلادی، به‌دنبال تنش‌زدایی با همسایگان خویش بود، اما آغاز تحولات جهان عرب و به‌ویژه بحران سوریه و عملکرد ترکیه در قبال آن، موجب عدول ترکیه از سیاست به صفر رسانیدن مشکلات با همسایگان و به نوعی رسیدن به "صفر همسایه‌ی بدون مشکل" شده است. از زمان شروع بحران در سوریه، ترکیه طیفی از اقدامات مختلف، از دعوت به اصلاحات و میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان و تجمیع تلاش‌ها برای سقوط نظام حاکم در سوریه را انجام داده است. حال سؤال اصلی این تحقیق این است که چگونه می‌توان رفتارهای ترکیه در خصوص تحولات سوریه را تحلیل کرد؟ در این مقاله برآنیم تا به روش توصیفی-تحلیلی، ضمن نگاهی اجمالی به پیشینه‌ی روابط ترکیه و سوریه، به بررسی عملکرد ترکیه در طول بحران سوریه پرداخته و با استفاده از دکترین عمق راهبردی به رفتارشناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه پردازیم.

مبانی نظری: دکترین عمق راهبردی

"سیاست خارجی هر کشوری ادامه سیاست داخلی آن کشور است." این عبارت، یکی از جمله‌های معروف و کلاسیک در عرصه‌ی علم سیاست به‌شمار می‌رود که شاید بتوان مصداق واقعی آن را در عرصه‌ی تحولات داخلی و خارجی کشوری مانند ترکیه به خوبی مشاهده نمود. در واقع، سیر تحولات تاریخی جامعه‌ی ترکیه نشان می‌دهد که در طی چند دهه‌ی پرفرازونشیب، از بطن کشمکش میان اسلام‌گرایان و سکولارها، شاگردان نوگرای مکتب سیاسی نجم‌الدین اربکان، مؤسس حزب اسلام‌گرای رفاه، در قالب حزب عدالت و توسعه در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲، قدرت را در صحنه‌ی سیاسی ترکیه به دست گرفتند و فضای جدیدی را در عرصه‌ی سیاسی این کشور به‌ویژه در حوزه‌ی سیاست خارجی پدید آوردند. به قدرت رسیدن این جریان میانه‌رو، حاصل شکل‌گیری نوعی هنجار داخلی یا ملی در جامعه‌ی ترکیه مبتنی بر ارزش‌های مشترک، در مورد تعریف رویکرد مطلوب و مناسب تأمین‌کننده‌ی منافع ملی ترکیه است که با تعامل افراد، گروه‌ها و گفتمان‌های داخلی میان جریانات سکولار و ملی‌گرا با اسلام‌گرایان (به‌رغم بحران‌های متعدد سیاسی و وقوع چندین کودتای نظامی)، در یک فرایند جامعه‌پذیری، موجب حرکت جامعه‌ی ترکیه به سوی نقطه‌ی تعادل گردید. نخبگان جدید صحنه‌ی سیاسی ترکیه با حفظ اصول سنتی کمالیسم و رویکرد غرب‌گرایی، نگرش جدیدی را نسبت به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی در پیش گرفتند که موجب پویایی خاصی در عرصه‌ی سیاست خارجی ترکیه گردید. در بطن این تحول، تدوین دکترین عمق راهبردی از سوی احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه‌ی ترکیه و معمار سیاست خارجی جدید این کشور قرار دارد. (کوزه گر کالجی، ۱۳۸۹: ۷-۸)

داوود اوغلو در کتاب "عمق راهبردی"، پیشنهادات خود را در مورد سیاست خارجی ترکیه منعکس نموده است. او می‌گوید سیاست خارجی ترکیه نامتعادل است و تأکید بیش از حد به روابط با اروپا و آمریکا و نگاه به غرب، این کشور را از غرب آسیا و شمال آفریقا (محدوده‌ی امپراتوری عثمانی) دور کرده است. از نظر داوود اوغلو، ترکیه مانند روسیه، مصر و ایران، دارای شاخص‌های هویتی متکثر است و باید سیاست خود را بر اساس این هویت متنوع تنظیم کند. ترکیه با غرب آسیا، قفقاز، اروپا و بالکان

همسایه است، اما جزو هیچ‌کدام از آنها نیست و باید با همگان تعامل سازنده داشته باشد و جهت‌گیری به یک سمت، نوعی عدم توازن در سیاست خارجی ترکیه به‌وجود می‌آورد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۹-۱۰)

این دکترین خواستار تعامل فعال ترکیه با تمام سیستم‌های منطقه‌ای در همسایگی ترکیه است. داوود اوغلو مدعی است که ترکیه در بین تعدادی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مانند غرب آسیا، جهان اسلام، غرب و آسیای مرکزی قرار دارد. ترکیه تنها در صورتی می‌تواند به‌صورت قدرت منطقه‌ای ظهور کند که با همه‌ی این حوزه‌ها و همه‌ی همسایگان روابط خوبی داشته باشد. به نظر وی، راه رسیدن به این هدف این است که ترکیه در زمینه‌ی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری ویژه‌ای انجام دهد. ترکیه باید از پیوندهای تاریخی و فرهنگی خود با این مناطق استفاده کرده و نهادهای دموکراتیک و بازار آزاد و اقتصاد لیبرال را در این مناطق ترویج کند. (کیری، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۸) وی در کتاب مذکور معتقد است: ترکیه به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود، دارای عمق راهبردی است، به همین دلیل، ترکیه را در زمره‌ی کشورهای کوچکی قرار می‌دهد که آنها را قدرت‌های مرکزی می‌نامد. او معتقد است که ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا غرب آسیا کند؛ چراکه کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای و بنابراین، باید نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند؛ چیزی که به این کشور در نظام بین‌الملل اهمیت راهبردی می‌دهد. از دید داوود اوغلو، ترکیه به همه‌ی مناطق غرب آسیا، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی و خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه تعلق دارد و در همه‌ی این مناطق می‌تواند نقش رهبری را به عهده گرفته و اهمیت راهبردی جهانی برای خود کسب کند. (دهقانی، ۱۳۹۰) از جمله مؤلفه‌های این دکترین عبارتند از:

- ۱) ترکیه باید نقش پررنگ فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛
- ۲) برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا به نظر او کشورش با همه‌ی مناطق یادشده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛
- ۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛
- ۴) اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛

(۵) باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش مهمی را ایفا نمود؛

(۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه نیاز به مداخله‌ی قدرت‌های خارجی را از بین برد؛

(۷) به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا، باید روی کشورهای منطقه‌ی سرمایه‌گذاری کند؛ به‌ویژه کشورهایی که زمانی جزو امپراتوری عثمانی بودند. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱)

به نظر داوود اوغلو ترکیه باید به اختلافات دوجانبه را که مانع روابط ترکیه با همسایگانش بود حل و فصل می‌کرد؛ بنابراین، طرح "سیاست تنش صفر با همسایگان" را ارائه داد. در دستور کار قرار دادن این سیاست موجب بروز تحرک تازه‌ای در روابط خارجی این کشور طی سال‌های اخیر شد که تا حد زیادی با رویکرد سنتی چنددهه‌ی گذشته آنکارا در عرصه‌ی سیاست خارجی متفاوت است. ایجاد توازن در جهت‌گیری کلان سیاست خارجی در قبال جهان غرب از یک سو و کشورهای همسایه و منطقه از سوی دیگر، ایفای نقش پررنگ‌تر در منطقه‌ی غرب آسیا و نامیدن سال ۲۰۰۷ به عنوان سال غرب آسیا، گسترش روابط با سوریه (از جمله سفر تاریخی بشار اسد به ترکیه برای نخستین بار در سال ۲۰۰۴)، بهبود مناسبات با عراق و سفر مقامات بلندپایه‌ی دو کشور، توسعه‌ی روابط با گروه‌های کرد و حکومت خودمختار شمال عراق (از جمله سفر داوود اوغلو، وزیر امور خارجه‌ی ترکیه به اربیل در سال ۲۰۰۹)، متوازن نمودن روابط ترکیه با اسرائیل به موازات گسترش روابط با اعراب و ایفای نقش فعال در پرونده‌ی هسته‌ای ایران را می‌توان از نتایج سیاست خارجی نوین ترکیه در پرتو دیدگاه‌ها و رویکردهای حزب عدالت و توسعه دانست. (کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۹: ۸)

پس از بررسی دکترین عمق راهبردی، به بررسی پیشینه‌ی روابط ترکیه و سوریه پیش از تحولات سوریه و سپس بررسی عملکرد آن در قبال بحران سوریه خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ی روابط ترکیه و سوریه

پس از قرن‌ها ارتباط مداوم و نزدیک میان ترکیه عثمانی و بلاد شام، یک دیوار بلند جدایی میان دو کشور ترکیه جدید به رهبری آتاتورک و سوریه جدید پدید آمد که بخش جدانشده‌ای از سوریه بزرگ به دست استعمار فرانسه بود و قبلاً طبق پیمان سایکس پیکو حدود آن تقسیم و مشخص شده بود. در فاصله‌ی دو جنگ جهانی، در حالی که ترکیه تحت حکومت مصطفی کمال‌پاشا به دنبال یک کشور مدرن غربی و بریدن از ریشه‌های اسلامی و اصیل مردم این کشور و امپراتوری و میراث آن بود، نخبگان عرب سوریه بتدریج در صدد خروج از آثار باقی مانده از عثمانی و رواج گرایش‌های ملی‌گرایی عرب و وحدت عربی بودند. از سوی دیگر، دین اسلام که عامل وحدت میان بخش‌های مسلمان نشین امپراتوری اسلامی عثمانی از جمله استانبول و دمشق بود، با تعبیرها و تفسیرهای خاص و متفاوت در ترکیه و سوریه مواجه شد و از جانب حکم فرمایان به مایه‌ی انفصال و جدایی مبدل گردید. (امامی، ۱۳۷۷: ۶۸۶) برای چندین دهه، روابط آنکارا و دمشق به دلایل متعدد از جمله مناقشه بر سر میزان آب دجله و فرات، حمایت دمشق از جدایی طلبان کرد در ترکیه و پناه‌دادن به عبدالله اوچالان رهبر پ.ک.ک و حاکمیت بر منطقه‌ی هاتای یا اسکندرون که مساحت آن ۵۴۰۳ کیلومتر مربع است، بسیار سرد بود و به شدت روی این نکات اختلاف داشتند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

از زمان تشکیل ترکیه جدید و استقلال سوریه، چهار اختلاف عمده بین دو کشور وجود داشته است:

- ۱) اختلاف ایدئولوژیک: از زمان استقلال سوریه از قلمرو عثمانی تا پایان جنگ جهانی دوم، اختلافات ایدئولوژیک بین ترکیه و سوریه ادامه داشت و در دوران جنگ سرد اختلافات میان دو کشور شدت گرفت. موج سیاسی و فرهنگی حاکم بر روابط دو کشور باعث شده بود سوریه به خاطر گرایش ترکیه به اتحاد با غرب، این کشور را رویاروی خود ببیند و در مورد اهداف ملی عربی به این کشور بدگمان باشد. هنگامی که ترکیه رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت، این بدگمانی رو به فزونی نهاد. از طرفی ترکیه هم با توجه به مسائلی مثل مسأله‌ی قومیت‌افراطی عرب و گرایش‌های

توسعه طلبانه‌ی آن، ارتباط با مسکو و چپ‌گرایی عربی، به سوریه اعتماد چندانی نداشت. به علاوه سازمان‌های چپ‌گرای عربی مستقر در سوریه با چپ‌گرایان ترک که برخی از آنها در طول دهه‌ی ۱۹۶۰ به عملیات مسلحانه علیه آنکارا دست زده بودند، ارتباط داشتند و این مسأله بر دامنه‌ی تردیدهای آنکارا نسبت به نیات دمشق می‌افزود؛ (امامی، ۱۳۷۷: ۶۸۷)

۲) مسأله‌ی آب: اختلاف دو کشور بر سر نحوه‌ی آب، دارای سابقه‌ی طولانی است. ترکیه با توافق گروهی و چندین کشوری بر سر نحوه‌ی استفاده از آب دجله و فرات مخالف است و مدعی است نسبت به بخشی از این رودخانه‌ها که در خاکش جاری است، حاکمیت دارد، اما مایل است در طرح‌های مشترک با همسایگان پایین‌رود همکاری کند. البته سوریه بر ایجاد نظام سهمیه‌بندی آب و تشکیل یک سازمان مسئول در مورد امور رود فرات اصرار می‌ورزد؛ (واعظی، ۱۳۸۷: ۶۷)

۳) اختلاف ارضی بر سر منطقه‌ی هاتای یا اسکندرون: استان هاتای در جنوب ترکیه در سواحل دریای مدیترانه قرار دارد و از شرق و جنوب شرقی با سوریه هم‌جوار است. نام قدیمی این شهر اسکندرون است، ولی ترک‌ها نام هاتای را بر آن نهاده‌اند. با این حال، این شهر در سوریه اسکندرون نامیده می‌شود. به‌دنبال مذاکرات سال ۱۹۳۶ بین فرانسه و سوریه در مورد اعطای استقلال به این کشور- که خواه نا خواه شامل اسکندرون نیز می‌شد- دولت ترکیه نسبت به وضعیت آینده‌ی این شهر اظهار نگرانی کرد و با طرح این مطلب که هنگام امضای توافق با فرانسه، این کشور را قیم سوریه شناخته است، از فرانسه خواسته است تا حافظ منافع اتباع ترکیه در این ولایت باشد، ولی اکنون حاضر نیست این مسئولیت را به دولت سوریه واگذار کند و به جامعه‌ی ملل شکایت کرد. برای حل اختلاف دو کشور بر سر این ناحیه، جامعه‌ی ملل در سال ۱۹۳۷ میلادی توصیه کرد که ولایت اسکندرون استقلال کامل داخلی داشته باشد و روابط خارجی و امور پولی و اقتصادی آن با دولت سوریه و زبان آن ترکی

باشد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۶۹۰) دولت فرانسه در سال ۱۹۳۹ میلادی، با شروع جنگ جهانی دوم، رسماً این شهر را در اختیار ترکیه قرار داد تا مانع از حمایت آنکارا از آلمان در جنگ شود. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۹۲) هاتای به‌خاطر واقع‌شدن در کنار دریای مدیترانه از اهمیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار است و جدایی آن از سوریه باعث شد تا این کشور نیمی از سواحل خود در دریای مدیترانه را از دست بدهد. بندر اسکندرون از نظر طبیعی موقعیت مناسبی دارد و کشتی‌های بزرگ به‌راحتی می‌توانند در آن پهلو بگیرند. ایجاد پایانه‌های نفتی و خطوط لوله نفت عراق در سال‌های اخیر در این بندر بر اهمیت ژئوپلیتیکی آن افزوده است. از طرفی وجود پایگاه‌های ناتو در این شهر بر اهمیت نظامی آن نیز افزوده است و ناتو مخالف واگذاری این استان به سوریه است. هم‌چنین در سال‌های اخیر، سوریه با طرح‌های توسعه‌ی کشاورزی از میزان آبی که از طریق رود عاصی وارد منطقه‌ی هاتای می‌شود، کم کرده است. این عمل با اعتراض ترکیه روبرو شد و این کشور تلاش کرد تا مذاکرات مربوط به رود فرات را با سوریه به معامله با رود عاصی ربط دهد؛ اما سوریه با این امر مخالفت کرد و پذیرش مذاکره را به معنای شناسایی واقعی حاکمیت ترکیه بر استان هاتای دانست. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۷۶۶-۷۶۵) در واقع، شاید بتوان گفت که سوریه جدایی اسکندرون را نپذیرفته و ترکیه نگران این مسأله است؛

(۴) مسأله‌ی کردها: کردها در ترکیه، که اکثریت آنها در استان‌های جنوب و جنوب شرقی این کشور سکونت دارند، در زمان حکومت عثمانی حکمرانان عثمانی را خلیفه‌ی مسلمانان می‌دانستند و هم از نظر مذهبی و هم از نظر سیاسی به خلیفه‌ی عثمانی وفادار بودند. پس از روی کار آمدن حکومت جدید ترکیه و تلاش آن برای تشکیل دولت ملی با تأکید بر فرهنگ ترک، کردها بتدریج خواهان سرزمین مستقل با حقوق ویژه شدند و این مسأله به نحو جدی در روابط آنکارا و دمشق مطرح شد. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۹۳)

بحران کردها در ترکیه ریشه‌ای تاریخی دارد، ولی با تشکیل حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) در اوایل دهه‌ی هشتاد میلادی، وارد فاز جدیدی شد. کردهای ترکیه با

استفاده از ناآرامی‌ها در کردستان عراق و تجهیز خود به سلاح‌های گرم، با دولت آنکارا وارد چالش جدید جدایی‌طلبی شدند. ترکیه از آن زمان به بعد همواره سه دولت سوریه، ایران و عراق را به‌طور ادواری به حمایت از کردهای جدایی‌طلب متهم کرده است. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۶۷۷) یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در روابط ترکیه و سوریه بر سر موضوع کردها به سال ۱۹۸۹ بر می‌گردد. رهبران پ.ک.ک از جمله عبدالله اوجلان در این سال به سوریه پناه بردند که این موضوع با واکنش تند دولت ترکیه مواجه شد و دولت ترکیه سوریه را به حمله‌ی نظامی تهدید کرد و این بحران با اخراج اوجلان از سوریه و تعطیلی اردوگاه آموزشی کردها در خاک سوریه پایان یافت. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۹۳)

البته روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آورد که گسترش حوزه‌ی نفوذ ترکیه در منطقه‌ی غرب آسیا، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن به‌شمار می‌رود. حزب عدالت و توسعه از همان سال ۲۰۰۲ که رسماً وارد بازی قدرت در ترکیه شد، از سیاست به صفر رساندن مشکلات و چالش‌ها با همسایگان تبعیت کرد. در حقیقت، دولتمردان حزب عدالت و توسعه، تعامل را بر تقابل ترجیح دادند و خواهان همکاری بجای تنش‌زایی بودند. بر همین اساس، ترک‌ها هم با سوریه و هم با دیگر کشورهای عربی میزان همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دادند. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۰) پس از آن‌که سوریه در سال ۱۹۹۸، از حمایت حزب کارگران کردستان خودداری کرد و رهبر آنها را تسلیم ترکیه نمود، تحول مثبت در روابط ترکیه و سوریه آغاز شد. به قدرت رسیدن بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۰۰ و حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، سرعت توسعه‌ی روابط سیاسی-امنیتی و اقتصادی دو کشور را بسیار افزایش داد. دو کشور بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹، حدود ۵۰ توافقنامه‌ی همکاری امضا و ایجاد شورای عالی همکاری راهبردی را اعلام کردند. علاوه بر این، ترکیه و سوریه نخستین تمرین نظامی مشترک را انجام دادند. ترکیه و سوریه در سال ۲۰۱۰، توافقنامه‌ی مبارزه با تروریسم را امضا کردند و ترکیه در سال ۲۰۱۱، به بزرگ‌ترین شریک تجاری سوریه تبدیل شد. (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۴۱)

رفتارشناسی ترکیه در قبال بحران سوریه

به دنبال بروز ناآرامی‌ها در سوریه، بدیهی بود که ترکیه نتواند در قبال تحولات همسایه‌ی خود بی تفاوت باشد، زیرا از یک طرف این تحولات با دکترین عثمانی‌گری جدید رهبران حزب عدالت و توسعه در تعارض بود و از طرف دیگر، تحولات سوریه می‌توانست چالش‌هایی را در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) بنابراین، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شد. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجی‌گری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشگرکشی و تهدید به جنگ متمایل گردید. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۲) با رصد اقدامات ترکیه در خصوص بحران سوریه، سه نوع رفتار در سیاست ترکیه در قبال سوریه در چارچوب دکترین عمق راهبردی قابل مشاهده است:

میانجی‌گری و دعوت به اصلاحات

ترکیه در آغاز تحولات سوریه موضعی نرم اتخاذ کرد و امیدوار بود مشکلات از طریق رایزنی برطرف گردد. در اینجا ترکیه با برخی انتقادات بین‌المللی نیز مواجه گردید. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۶) بشار اسد و رجب طیب اردوغان برای نخستین بار در فوریه‌ی ۲۰۱۱، در جریان ملاقات‌شان در شهر حلب، در مراسم افتتاحیه‌ی سد دوستی، در مورد تحولات مصر و تونس با هم به گفتگو پرداختند و حتی حمایت خود را از تحولات جاری در این دو کشور اعلام نمودند. در همین ملاقات، اردوغان برای نخستین بار به اتفاقات و تحولات داخلی سوریه اشاره کرد و اهمیت و لزوم اصلاحات در سوریه را یادآور شد. ترکیه این تحولات را نشانه‌ی درخواست‌های مردم برای اصلاحات و تغییر دموکراتیک در نظر گرفت و حمایت خود را از روند اصلاحات در سوریه اعلام کرد. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۲) همان‌طور که در مبحث مبانی نظری این پژوهش اشاره گردید، یکی از مؤلفه‌های اصلی دکترین عمق راهبردی، ایفای نقش در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. بنابراین، رویکرد اولیه ترکیه در میانجی‌گری در تحولات سوریه در راستای دکترین عمق راهبردی بود که در صورت موفقیت می‌توانست باعث افزایش نفوذ ترکیه در سوریه و افزایش عمق راهبردی این کشور شود؛

تلاش برای ایجاد کمربند اخوانی

روابط دو کشور با گسترش بحران در سوریه، رو به زوال گذاشت و ترکیه از اوائل ژوئن ۲۰۱۱، اتفاقات سوریه را غیرانسانی خواند و اعلام کرد بشار اسد به قولی که برای اصلاحات داده بود، عمل نکرده است. در نتیجه، ترکیه در نوامبر ۲۰۱۱، با چرخش کامل در مواضع خود از اسد خواست تا قدرت را رها کند و علاوه بر این، با قرارگرفتن در موضعی تهاجمی و فعال، چندین نشست مخالفان سوری را میزبانی و در آوریل ۲۰۱۲ نیز دومین اجلاس دوستان ملت سوریه را در استانبول برگزار کرد تا به یک بازیگر کلیدی حامی مخالفان سوریه تبدیل شود. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۲) در نشست استانبول در ۱ آوریل ۲۰۱۲، با محوریت ترکیه، قطر و آمریکا، از ۸۰ کشور جهان برای برگزاری کنفرانس دوستان سوریه دعوت شد. در این کنفرانس، شورای مخالفان سوری به نام "شورای ملی سوریه" به عنوان نماینده سوریه به رسمیت شناخته شد و از روند فراخوانی سفرا از سوریه پشتیبانی به عمل آمد. (بهمنی، ۱۳۹۱: ۱۰۷) یکی دیگر از مؤلفه‌های دکترین عمق راهبردی، ایفای نقش پررنگ فعال و متناسب با گذشته‌ی پرشکوه و عمق جغرافیایی ترکیه است. در واقع، ترکیه به دنبال احیای نقش عثمانی برای رهبری جهان اسلام است.

ترکیه با حمایت از مخالفان دولت اسد که از حمایت گروه‌های سنی مذهب مانند اخوان المسلمین در داخل سوریه و دولت‌هایی مانند عربستان و قطر در خارج از این کشور برخوردار است، تلاش می‌کند تا ضمن معرفی خود به عنوان حامی جنبش‌های اسلامی حمایت گروه‌های با نفوذ مانند اخوان المسلمین را کسب و از آن به عنوان ابزاری برای تحقق رؤیای احیای امپراتوری عثمانی استفاده کند. نکته‌ی مهم آن‌که ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای هم از لحاظ داخلی و هم بین‌المللی شرایط مناسبی دارد. از لحاظ داخلی ترکیه پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در حوزه‌ی اقتصادی موفق به پیشرفت‌های خوبی شده است و این پشتوانه‌ی مناسبی برای این کشور در عرصه‌ی خارجی است. از بُعد بین‌المللی نیز ترکیه مدلی از اسلام را ارائه داده است که فاقد نقش سیاسی است و اسلام را به امور فردی منحصر می‌کند و این همان اسلامی است که غرب با آن مشکلی ندارد. (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۲) علاوه بر اینها، الگونمودن نهادهای سیاسی ترکیه برای کشورهای

منطقه نیز از جمله مؤلفه‌های دکترین عمق راهبردی است. این برهه از زمان، موقعی است که اخوانی‌ها سوار بر موج تحولات در منطقه گردیده‌اند، و ترکیه در تلاش برای سوارشدن بر این موج و ایجاد کمربند اخوانی در منطقه بود؛ یعنی اگر حکومتی مورد خواست این کشور در سوریه بر سر کار آید (نظیر آنچه در مصر و لیبی اتفاق افتاده بود) سوریه به منزله‌ی حیات خلوت ترکیه عمل کرده و مرزهای راهبردی ترکیه از حلب به درعا (مرز اردن) افزایش می‌یابد؛

قرار گرفتن در بازل غرب برای مهار ایران و محور مقاومت

با بحرانی‌تر شدن اوضاع در سوریه، ترکیه عزم خود را برای سقوط نظام سوریه جزم کرد. ترکیه در اقدامی بی‌سابقه‌ی افسران بازنشسته‌ی ارتش را برای استقرار در مناطق هم‌مرز با سوریه به خدمت فراخواند. ترکیه در سال ۲۰۱۲ نیز به بهانه‌ی شلیک چندین خمپاره از داخل خاک سوریه به ترکیه و علی‌رغم تکذیب دخالت ارتش سوریه در این ماجرا، سوریه را تهدید به جنگ نمود و یگان‌هایی از ارتش را به مناطق هم‌مرز با سوریه روانه داشت و چندین نوبت مواضع ارتش سوریه را با توپخانه‌ی گلوله‌باران نمود. (انتظاری، ۱۳۹۲: ۹۰)

ترکیه در دو مرحله از ناتو درخواست کرد تا در بحران سوریه دخالت نماید: اولین بار به بهانه‌ی هدف قراردادن جنگنده‌ی نیروی هوایی ترکیه که به مرزهای سوریه تجاوز نمود، در این مرحله ناتو ضمن برگزاری نشست اضطراری و حمایت لفظی از ترکیه، از این‌که در شرایط کنونی خود را وارد جنگ و مداخله‌ی نظامی در بحران سوریه نماید، پرهیز نمود. (انتظاری، ۱۳۹۲: ۹۱) درخواست دوم ترکیه از ناتو، مربوط به استقرار سامانه‌های پاتریوت در این کشور است. ترکیه در نوامبر سال ۲۰۱۱، رسماً از ناتو درخواست نمود تا نسبت به استقرار سامانه‌ی پاتریوت در مرز این کشور با سوریه اقدام شود که مورد موافقت ناتو قرار گرفته و از ماه دسامبر نسبت به استقرار این سامانه‌ها اقدام گردید. (وب سایت شبکه خبر، ۱۳۹۱، کدخبر ۳۰۱۵) ترکیه در راستای طرح ترکیه برای سقوط دولت بشار اسد و در حمایت از معارضان مسلح، پایگاه‌هایی را در اختیار معارضان قرار داده و از آنها پشتیبانی آموزشی و تسلیحاتی می‌کند. یکی از مهم‌ترین این پایگاه‌ها، کمپ نظامی "ریحانلی" در استان "هاتای" می‌باشد که ترکیه آن را در اختیار معارضان موسوم به "ارتش آزاد سوریه" قرار داده است. (kemal, 2012) ترکیه

تروریست‌ها را از اقصی نقاط جهان در خاک خود پذیرا شده و پس از آموزش، آنها را مسلح کرده و به سوریه اعزام نموده است. (وب سایت شبکه العالم، ۱۳۹۳، کدخبر ۱۶۳۹۴۱۳) این کشور هم‌چنین پایگاهی به نام "تروستر" را در شهر آدنا نزدیک پایگاه هوایی اینجریلیک (مقر نیروی هوایی آمریکا) در اختیار ارتش آزاد سوریه قرار داد. دولت ترکیه علاوه بر قرارداد اسلحه در اختیار مخالفان سوریه، به آموزش نظامی آنها می‌پردازد (انتظاری، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۴)، اما چرا ترکیه تا این حد برای سقوط نظام سوریه تلاش می‌کند و کاملاً با غرب هماهنگ عمل می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین بازیگران در عرصه‌ی معادلات غرب آسیا به‌ویژه مسأله‌ی سوریه، جمهوری اسلامی ایران است. ایران از همان ابتدا بحران سوریه را طرح غربی-عربی برای شکستن محور مقاومت دانسته و بر عدم دخالت خارجی تأکید نموده و راهکار بحران سوریه را صرفاً دیپلماتیک و از طریق گفتگو می‌داند. جمهوری اسلامی ایران برای حل این موضوع تا کنون تلاش‌های دیپلماتیک زیادی را انجام داده است؛ علاوه بر این، ایران کمک‌های مستشاری نظامی به سوریه ارائه نموده است تا به ارتش این کشور در مقابله با تروریست‌ها کمک نماید. ایران به‌دلیل منافع راهبردی خود و پیوند راهبردی با سوریه در محور مقاومت، به‌دنبال حفظ نظام سوریه و شکست تروریست‌ها و طرح‌های غربی برای سقوط بشار اسد یا حداقل حفظ وضع موجود است. در نقطه‌ی مقابل ایران، ترکیه قرار دارد که به‌دنبال ارتقای جایگاه این کشور در موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای و به‌دست آوردن نفوذ در منطقه و نزدیکی به غرب و گسترش نفوذ ژئوپلیتیک این کشور در حوزه‌ی سوریه و مدیترانه است که ترکیه را از مزایای مهم سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای برخوردار خواهد کرد.

از طرفی یکی از اختلافات ایران با ترکیه که به‌ویژه با شکل‌گیری تحولات جهان عرب بروز و ظهور بیش‌تری یافت، رقابت دو نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران و دموکراسی سکولار-اسلام‌گرای ترکیه است. (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۴۸) در حال حاضر، شاید بتوان مهم‌ترین رقابت منطقه‌ای در غرب آسیا را رقابت بین ایران و ترکیه دانست که نمود بارز آن در صحنه‌ی بحران سوریه به وضوح مشاهده گردید. از طرفی غرب نیز به‌دنبال سقوط اسد به نفع رژیم صهیونیستی و تضعیف حزب‌الله لبنان و ایران و به‌طور کلی تضعیف محور مقاومت است. در واقع، در این بین، در

خصوص مهار ایران و محور مقاومت، میان ترکیه و غرب یک همگرایی منافع ایجاد شده است. بنابراین، ترکیه در رویکرد سوم خود در پازل و محور غربی برای کنترل و مهار ایران و محور مقاومت قرار گرفت و این در حالی است که مهار ایران نیز با ابقای نظام فعلی سوریه بسیار مشکل خواهد بود؛ بنابراین، ترکیه در مسیر هم پیمانان غربی‌اش، به دنبال سقوط نظام سوریه به هر طریق ممکن است. حمایت از گروه‌های تروریستی نیز در همین چارچوب قابل فهم است.

نتیجه‌گیری

ترکیه کشوری مهم و دارای اهمیت راهبردی در غرب آسیاست که در سال‌های اخیر تلاش نموده است که نقش فعالی را در معادلات منطقه‌ای ایفا کند. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه رویکرد عمده‌ی سیاست خارجی این کشور، غرب‌گرایی و عدم حضور فعال در غرب آسیا بود. این کشور با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ و کاربست دکترین عمق راهبردی و سیاست تنش صفر با همسایگان، به دنبال ایجاد روابط حسنه با همسایگان خود از جمله سوریه بود، اما با شروع بحران سوریه و ادامه‌ی آن در چند سال اخیر، ترکیه رویکردهای متفاوتی داشته است. به‌طور کلی، ترکیه سه‌نوع رفتار در برابر تحولات سوریه داشته است که ناشی از دکترین عمق راهبردی است. رویکرد اول ترکیه، میانجی‌گری در تحولات سوریه بود که در صورت موفقیت می‌توانست باعث افزایش نفوذ ترکیه در سوریه و افزایش عمق راهبردی ترکیه شود. سپس هنگامی که اخوانی‌ها سوار بر موج تحولات در منطقه گردیدند، ترکیه در تلاش برای سوار شدن بر این موج و ایجاد کمر بند اخوانی در منطقه بود؛ یعنی اگر حکومتی موردخواست این کشور در سوریه بر سر کار آید (نظیر آنچه در مصر و لیبی اتفاق افتاده بود) سوریه به منزله‌ی حیات خلوت ترکیه عمل کرده و مرزهای راهبردی ترکیه از حلب به درعا (مرز اردن) افزایش می‌یابد. ترکیه در رویکرد سوم خود در پازل و محور غربی برای کنترل و مهار ایران و محور مقاومت قرار گرفت. رقابت در صحنه‌ی سوریه و رقابت راهبردی مدل‌های حکومتی میان ترکیه و غرب در مهار ایران و محور مقاومت همگرایی منافع ایجاد نموده است. از این‌رو، ترکیه با بازی در پازل غرب به دنبال مهار ایران و محور مقاومت و گسترش عمق راهبردی خود است.

منابع

فارسی

- ۱- امامی، محمدعلی (۱۳۷۷)؛ "بررسی سیر روابط ترکیه و سوریه"؛ فصلنامه سیاست خارجی، پاییز، شماره ۴۷، ص ۶۸۳-۷۰۸.
- ۲- امیدی، علی، و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)؛ "عثمانی‌گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه"؛ فصلنامه روابط خارجی، سال سوم (شماره سوم).
- ۳- انتظاری، سیدحسین (۱۳۹۲)؛ "مطالعه تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات سوریه و مصر"؛ تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، به راهنمایی دکتر ابراهیم متقی.
- ۴- بهمنی، محمدعلی (۱۳۹۱)؛ "بررسی حقوقی مداخلات خارجی در سوریه"؛ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم (شماره ۵۰).
- ۵- بیات، ناصر (۱۳۹۰)؛ "نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه"؛ فصلنامه ره‌نامه‌ی سیاست‌گذاری، سال دوم (شماره دوم).
- ۶- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۸)؛ "اختلاف‌های ترکیه و سوریه بر سر منطقه‌ی هاتای"؛ مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم (شماره سوم)، ص ۷۶۳-۷۸۸.
- ۷- حسینی، سیده‌مطهره، و طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه قلعه (۱۳۹۱)؛ "عملکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه"؛ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۱.
- ۸- دهقانی، رضا (۱۳۹۰)؛ "دکترین عمق استراتژیک داود اوغلو"؛ بازیابی در ۱۳۹۳/۱۲/۲، از وبلاگ مطالعات ترکیه: <http://rdehqani.blogfa.com/post-26.aspx>
- ۹- رجیبی، سهیل (۱۳۹۱)؛ "واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی با نیم نگاهی به تحولات اخیر در سوریه"؛ فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم (شماره ۳۲)، ص ۱۲۳-۱۵۰.
- ۱۰- کبیری، اباصلت (۱۳۹۱)؛ "تعامل و تقابل جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بحران سوریه"؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، به راهنمایی دکتر احمد بخشایش اردستانی.

- ۱۱- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹): "استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه: دلایل و پیامدها"; تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی ۳۳۶.
- ۱۲- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۳): "مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی"; تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۳- مرادیان، محسن (۱۳۸۹): "برآورد استراتژیک سوریه"; تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۴- مسعودنیا، حسین، عاطفه فروغی، و مرضیه چلمقانی (۱۳۹۱): "ترکیه و بحران سوریه، از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت"; فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول (شماره‌ی چهارم)، ص ۸۳-۱۱۰.
- ۱۵- نیاکوبی، سیدامیر، و حسین بهمنش (۱۳۹۱): "بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها"; فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره‌ی چهارم، ص ۹۷-۱۳۵.
- ۱۶- واعظی، محمود (۱۳۸۷): "روابط ترکیه و سوریه، از تعارض تا تعامل"; پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره‌ی ۱۹، ص ۵۷-۸۸.

انگلیسی

- 17- kemal, l. (22/8/2012). "Inside Free Syrian Army's Headquarters in Turkey". Almonitor: Accessed:3/8/2015, Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/tr/politics/2012/08/inside-the-free-syrian-armys-turkish-hq.html>

اینترنت

- ۱۸- وب سایت شبکه‌ی العالم (۱۳۹۳، مهر ۱۸): نماینده عراقی: ترکیه، تروریست می‌فرستد. بازیابی در اسفند ۱۳، ۱۳۹۳، قابل دسترسی در: <http://fa.alalam.ir/news/1639413>
- ۱۹- وب سایت شبکه‌ی خیر (۱۳۹۱، آذر ۶): استقرار سامانه موشکی پاتریوت در ترکیه، بازیابی در اسفند ۱۲، ۱۳۹۳، قابل دسترسی در: <http://www.irinn.ir/news/3015>